

۹۱/۷/۵

• دریافت

۹۱/۱۲/۱۳

• تأیید

معناشناسی واژه «ولی» در قرآن کریم

علی اکبر نورسیده*

عبد علی فیض‌الله‌زاده**

جواد ماستری فراهانی***

چکیده

«معناشناسی» یکی از شاخه‌های زبان‌شناسی نوین است که پیشینه‌ای کهن دارد و ریشه برخی مباحث و اندیشه‌های آن به گذشته‌های دور بازمی‌گردد. معناشناسی، به‌مثابه یک نظریه که به بررسی معنا در ساختار کلام می‌پردازد، از اواسط قرن نوزدهم پا به عرصه زبان‌شناسی نوین گذاشت. بنیانگذاران نخستین آن، ماکس مولر و میشل بریل بودند. «چندمعنایی» یکی از شاخه‌های دانش معناشناسی است. این شاخه وجوه متعدد معنایی را، با توجه به روابط هم‌نشینی واژگان در سطح جمله و بستر کلام، بررسی می‌کند. یکی از مهم‌ترین محورهای پژوهش قرآنی، کشف و تبیین دقیق معانی آیات و گزاره‌های متشابه است. بی‌تردید فهم و دریافت معانی قرآن، بدون شناخت و درک معانی واژگان، ممکن نیست. با توجه به چنین ضرورتی، این پژوهش، با استفاده از روش تحلیلی توصیفی و استخراج شواهد براساس نظریه معناشناسی و شاخه چندمعنایی، به توصیف و تحلیل سیر تحول معنایی واژه «ولی» در قرآن کریم و استخراج وجوه معنایی آن پرداخته و، با استناد به تفاسیر قرآنی موجود، به این نتیجه رسیده است که این واژه در یافت موضوعی سوره‌ها و آیات شریفه، از طریق روابط هم‌نشینی با واحدهای دیگر در بستر کلام، ساختاری چندمعنایی یافته است و مؤلفه‌هایی از قبیل «فرزند»، «پروردگار»، «دوست و یاور» و «برده آزادشده» را دربر می‌گیرد.

واژگان کلیدی:

قرآن کریم، معناشناسی، چندمعنایی، واژه «ولی».

* استادیار زبان و ادبیات عربی - دانشگاه شهید بهشتی a_noresideh@sbu.ac.ir

** استادیار زبان و ادبیات عربی - دانشگاه شهید بهشتی

*** دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی - دانشگاه شهید بهشتی

مقدمه

یکی از مهم‌ترین محورهای پژوهش قرآنی، کشف و تبیین دقیق معانی آیات و گزاره‌های متشابه است. بی‌تردید فهم و دریافت معانی قرآن، بدون شناخت و درک معانی واژگان، ممکن نیست. این موضوع همواره دغدغه اصلی دین‌پژوهان و مفسران قرآن بوده است تا با شناخت دقیق و ریشه‌ای واژگان، به کنه غایبات و مقاصد الهی پی ببرند. در تفسیر قرآن کریم، با توجه به الوهیت و جنبه هدایتگری این کتاب مقدس، این موضوع از جایگاه و اهمیت بسزایی برخوردار بوده و پیوسته در قالب‌هایی چون «تفسیر و تأویل»، «ظاهر و باطن» و «عبارات، اشارات، لطایف و حقایق» از زبان ائمه اطهار (ع) و صحابه مطرح شده است.

در قرن حاضر، زبان‌شناسان علاقه‌مند به بررسی‌های ادبی و قرآنی تلاش کرده‌اند تا با استفاده از نظریه‌ها و الگوهای معناشناسی، به واکاوی و تحلیل ساختار واژگان بپردازند. یکی از مهم‌ترین شاخه‌های دانش معناشناسی، چندمعنایی است. این جستار، با تکیه بر روش توصیفی، تحلیلی و موردی، در پی آن است تا پس از ارائه مبانی نظری دانش معناشناسی و یکی از زیرشاخه‌های آن، یعنی چندمعنایی، با استخراج معانی لغوی و گستره مفاهیم واژه «ولی» از طریق روابط همنشینی در قرآن کریم، به این سوال پاسخ دهد که آیا از نظر معناشناسی، این واژه ساختار چندمعنایی دارد یا خیر؟ و اگر پاسخ مثبت است، وجوه متعدد معنایی آن در این کتاب آسمانی کدام‌اند؟ و این وجوه متعدد تا چه اندازه با یکدیگر ارتباط دارند؟

فرضیه‌ها

۱. به نظر می‌رسد واژه «ولی» در آیات مختلف قرآن، تحت تأثیر عناصر هم‌نشینی در بافت این آیات، وجوه معنایی متعددی را به خود اختصاص داده است.
۲. به نظر می‌رسد واژه «ولی»، با توجه به سیاق کلام و بافت موضوعی سوره‌ها و آیات شریفه، ده وجه معنایی دارد، از قبیل «فرزند»، «پروردگار»، «دوست و یاور»، «برده آزادشده» و ...
۳. به نظر می‌رسد همه وجوه معنایی ذکرشده برای واژه «ولی» با هسته اصلی

معنایی آن (نزدیکی و جدا نبودن) ارتباطی نزدیک دارد و بر اثر روابط هم‌نشینی در بافت جملات، چنین مؤلفه‌هایی را به خود می‌گیرند.

ضرورت و هدف پژوهش

قرآن کریم، به‌منزله کتاب آسمانی و کلام وحی الهی، با توجه به جنبه‌های اعجاز‌آمیز و هدایتگری خود، از بدو نزول تاکنون همواره توجه بسیاری از پژوهشگران و محققان را در سراسر جهان به خود جلب کرده و پژوهش‌های بسیاری در جنبه‌های گوناگون این کتاب مقدس صورت گرفته که در بیشتر موارد، هدف پژوهش‌ها دست‌یابی به معانی و مفاهیم متعالی آن برای رشد و تعالی ارزش‌های انسانی بوده است. ضرورتی که نگارنده را بر آن داشت تا به جست‌وجو در این باب بپردازد نیز دست‌یابی به معانی حقیقی واژگان قرآنی، با توجه به تبیین لایه‌های معنایی نهفته در واژه «ولی» در کاربردهای قرآنی آن با تکیه بر روابط هم‌نشینی، است. با وجود موجز بودن این پژوهش، نگارنده امیدوار است درک عمیق‌تری از مفاهیم والای قرآنی به دست دهد؛ چراکه معنای لغوی به‌تنهایی نمی‌تواند معانی حقیقی یک واژه را بیان کند.

پیشینه پژوهش

بی‌تردید فهم و دریافت معانی قرآن، بدون شناخت و درک معانی واژگان، ممکن نیست. این موضوع در تفسیر قرآن کریم توسط پیشینیان، با توجه به الوهیت و جنبه هدایتگری این کتاب مقدس، از جایگاه و اهمیت بسزایی برخوردار بوده و پیوسته در قالب‌هایی چون «تفسیر و تأویل»، «ظاهر و باطن» و «عبارات، اشارات، لطایف و حقایق» از زبان ائمه اطهار (ع) و صحابه مطرح شده است. در قرن حاضر نیز پژوهشگران زبان‌شناسی، به‌ویژه علاقه‌مندان به معناشناسی، تلاش کرده‌اند تا با استفاده از نظریه‌ها و الگوهای معناشناسی، از دید روابط مفهومی و هم‌نشینی، به واکاوی و تحلیل ساختار واژگان بپردازند؛ از این‌رو، مقاله-ها و پژوهش‌های متعددی در این زمینه نوشته است که، به‌دلیل گستردگی آن‌ها،

به ذکر چند نمونه اکتفا می‌کنیم:

۱. مقاله «معناشناسی أسماء الحسنی»، صادق آیینه‌وند، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران که با پرداختن به روابط معنایی أسماء، مسائلی مانند هم‌معنایی، چندمعنایی و اشتقاق‌های صرفی أسماء را در قالب یک حوزه واژگانی جست‌وجو کرده است.

۲. مقاله «معناشناسی واژه إخبارت با توجه به آیات و روایات»، علی‌راد، مجله آموزه‌های قرآنی دانشگاه علوم اسلامی رضوی که این واژه را از منظر معناشناسی بررسی کرده و، پس از چند مرحله تجزیه و تحلیل، جایگاه خاص و ویژه‌مختبین را در قرآن کریم نشان داده است.

۳. مقاله «واکاوی معنای دین در کاربردهای قرآنی»، عباسعلی اسماعیل‌زاده، مجله آموزه‌های قرآنی دانشگاه علوم اسلامی رضوی که با بررسی دقیق معنای آیات و فهم سیاقی آن‌ها، ثابت می‌کند واژه دین در قرآن، به مفهوم آیین و شریعت، مخصوص دین اسلام است.

۴. مقاله «مقایسه چندمعنایی در تفسیر الکشاف و مجمع البیان»، محمود شهبازی، فصلنامه تخصصی تفسیر، علوم قرآن و حدیث که مقوله چندمعنایی در دو تفسیر ادبی و واژگانی کشاف را بررسی کرده است.

۵- کتاب الأشباه و النظائر، نوشته مقاتل بن سلیمان بلخی، که وجوه بسیاری از واژگان و عبارت‌های قرآن را بیان می‌کند و برای هر وجه، شماری از آیه‌ها را شاهد می‌آورد. یکی از این واژگان، «ولی» است که برای آن ده وجه معنایی را برمی‌شمرد. البته نویسنده به روابط مفهومی و همنشینی این واژه با واژگان دیگر در ساختار کلام اشاره‌ای نکرده و به ذکر این معانی اکتفا کرده است.

ما در این پژوهش در پی آنیم تا با بهره‌گیری از یافته‌های دیگران، از زاویه‌ای متفاوت به مقوله معناشناسی و چندمعنایی واژه «ولی» در قرآن کریم بپردازیم و وجوه مختلف معنایی آن را، با توجه به قرائن معنوی و لفظی موجود در آیات، تبیین کنیم.

معناشناسی و چندمعنایی

فیلسوفان یونان از دیرباز در پژوهش‌های خود به موضوعاتی پرداخته‌اند که از مسائل اصلی معناشناسی به حساب می‌آیند. این بدان معناست که پژوهش‌های معناشناختی به قدمت اندیشه بشری پیشینه دارد (مختار عمر ۱۳۸۶: ۲۵). هندی‌ها و عرب‌ها نیز از قدیم به بسیاری از مباحثی پرداخته‌اند که مربوط به فهم طبیعت واژگان و جمله‌ها بوده است؛ اما این توجه پیشینیان به موضوع دلالت (معنا) تخصصی نبوده و فقط برخی مباحث آن قابل طرح و پژوهش بوده است؛ بنابراین کاوش در حیطه معناشناسی به شکل تخصصی و علمی از دستاوردهای مهم زبان‌شناسی نوین است. این دانش از اواسط قرن نوزدهم در غرب توسط نظریه‌پردازانی چون ماکس مولر، میشل بریل و لاینز مطرح شد. این نظریه یکی از مهم‌ترین محورهای پژوهش قرآنی است که به منظور کشف و تبیین دقیق معانی آیات و گزاره‌های متشابه کارکرد می‌یابد. زبان زنجیره‌ای به هم پیوسته از واژگان و معانی است که در تحلیل هریک از داده‌های این زنجیره، مطالعه در زمانی و هم‌زمانی آن‌ها ضروری است. دانش معناشناسی، که یکی از شاخه‌های اصلی در این زنجیره زبانی است، به مطالعه معنای واحدهای نظام زبان و ارتباط آن با ساختار کلام، با توجه به سیر تاریخی آن تاکنون، می‌پردازد. معادل انگلیسی این اصطلاح، «semantics» است. اصطلاح سمانتیک از واژه‌های نوافزوده زبان انگلیسی است که اولین بار در سال ۱۸۹۴ در مقاله‌ای ارائه شده به انجمن زبان‌شناسی آمریکا با عنوان «معانی منعکسه: نکته‌ای در معناشناسی» مطرح گردید (پالمر ۱۳۷۴: ۱۳). در زبان عربی به آن «علم الدلالة» و «علم المعنی» می‌گویند. باطنی از زبان اولمن می‌نویسد: «معنا رابطه دوجانبه‌ای است که بین تصویر ذهنی و کلمه وجود دارد (باطنی ۱۳۸۸: ۲۲۳). اشیاء، وقایع و پدیده‌های جهان خارج در ذهن ما تصویرهایی به وجود می‌آورند که ما کلمات را برای نامیدن یا گزارش دادن درباره آن‌ها به کار می‌بریم. معنا پیوندی است که بین این کلمه و این تصویر ذهنی وجود دارد (همان منبع: ۲۲۴). معناشناسی اصطلاحی تخصصی است که به مطالعه معنا اطلاق می‌شود. معناشناسی را چنین نیز تعریف کرده‌اند:

«بررسی معنا»: «دانشی که به بررسی معنا پردازد»؛ «شاخه‌ای از دانش زبان‌شنا- سی که به نظریه معنا می‌پردازد»؛ «شاخه‌ای که به بررسی شرایط لازم در رمز می‌پردازد تا قادر بر حمل معنا باشد» (مختار عمر ۱۳۸۶: ۱۹).

یکی از مهم‌ترین نظریه‌های مطرح‌شده، بررسی معنا از دید روابط مفهومی در سطح واژگان و ارتباط آن‌ها با یکدیگر در بستر جمله است. بدین‌گونه، از طریق تفاوت‌ها و تقابل‌ها و همچنین روابط جانشینی و هم‌نشینی عناصر موجود در یک بافت زبانی، می‌توان به معنای کلیدی کلمات پی برد. در دانش معناشناسی، انواع ارتباط‌های معنایی بررسی می‌شود: هم‌معنایی: «رابطه‌ای است که واژگان زبان را به‌صورت مجموعه‌هایی از واژه‌های حاوی معانی یکسان سامان می‌دهد» (آکماجین ۱۳۷۵: ۲۸۷)؛ هم‌آوایی: «دو واژه وقتی هم‌آوا هستند که به یک صورت واحد ادا شوند، ولی معانی و شکل نوشتاری متفاوتی داشته باشند» (صفوی ۱۳۶۰: ۱۱۷)؛ تضاد معنایی: «اصطلاح تضاد معنایی را برای معانی متقابل به‌کار می‌بریم و واژه‌هایی که در تقابل معنایی با یکدیگر قرار می‌گیرند را متضاد می‌نامیم» (پالمر ۱۳۷۴: ۱۳) و چندمعنایی. در این جستار، سعی بر آن است تا واژگان قرآنی را از بُعد چندمعنایی تحلیل معنایی کنیم؛ پدیده‌ای که حجم زیادی از بحث معنا را، چه در زبان‌شناسی عربی و چه در نظریه‌های جدید غربی و زبان‌شناسی عمومی، به خود اختصاص داده است.

چندمعنایی یک پدیده زبانی است که هم در کلام روزمره ما فراوان یافت می‌شود و هم در زبان ادبی دارای سطوح معنایی پیچیده است. یکی از زبان‌شناسان معاصر به نام دیوید کریستال چندمعنایی را چنین تعریف کرده است: «اصطلاحی است که در تحلیل معنایی برای اشاره به واژه قاموسی دارای حوزه معنایی که در بردارنده معانی مختلف باشد به‌کار می‌رود» (عوا ۱۳۸۱: ۵۸). پالمر نیز در تعریف چندمعنایی، چنین می‌گوید: «ما در زبان تنها با واژه‌های مختلف که دارای معانی گوناگونی هستند سروکار نداریم، بلکه به بعضی واژه‌ها برمی‌خوریم که به خودی خود از چند معنا برخوردار هستند. این مسئله را چندمعنایی و چنین کلماتی را واژه‌های چندمعنا می‌نامیم» (پالمر ۱۳۸۵: ۱۱۵). در رابطه چندمعنایی، یک کلمه

با چند تصویر ذهنی رابطه‌ای دوجانبه دارد (باطنی ۱۳۸۸: ۲۳۰). چنانچه نتوان میان معانی متعدد یک واژه رابطه‌ای برقرار کرد، آن واژه دیگر چندمعنا نیست. گرچه چندمعنایی گاهی ایجاد ابهام می‌کند و ارتباط زبانی را مختل می‌سازد، در کارایی زبان نقش بسیار مهمی دارد. «اگر امکان چند معنایی وجود نداشت، بار حافظه بسیار سنگین می‌شد؛ زیرا مجبور بودیم برای هر موضوع قابل درکی، واژه‌ای جداگانه داشته باشیم. برخلاف کسانی که چندمعنایی را عیب می‌دانند، این پدیده در اقتصاد زبان نقش بسزایی دارد» (همان منبع: ۲۳۲). در این میان، توجه به این نکته ضروری است که اصطلاح چندمعنایی با آنچه زبان‌شناسان اشتراک لفظی می‌نامند، متفاوت است. در اشتراک لفظی، مطالعه در زمانی واژه خواننده را در درک مفهوم موردنظر یاری می‌رساند، اما در بحث چندمعنایی، مطالعه هم‌زمانی واژه است که با بررسی واحدهای هم‌نشین آن در سطح جمله، مفهوم اصلی آن را مشخص می‌کند. در این زمینه، رمضان النجار، به نقل از اولمان، بر این امر تأکید می‌کند: «اگر دو واژه به دو اصل مختلف از هم برگردند، مشترک لفظی به‌شمار می‌آیند و اگر به یک ریشه برگردند، در حوزه چندمعنایی قرار می‌گیرند» (رمضان النجار ۱۳۹۱: ۵۵). ملاک معمول برای تشخیص این دو از یکدیگر، یافتن میزان رابطه بین دو واژه است. درحقیقت، برای تفکیک چندمعنایی از اشتراک لفظی، که با عنوان «هم‌آوا» نیز ذکر می‌شود، بررسی ریشه‌شناختی واژگان و هسته معنایی میان معانی آن‌ها بسیار مهم است. «چنانچه نتوان میان معانی متعدد یک واژه رابطه‌ای برقرار کرد، آن واژه از مقوله اشتراک لفظی است، اما اگر میان معانی متعدد یک واژه نوعی ارتباط وجود داشته باشد، می‌توان آن را چندمعنا قلمداد کرد» (اکماجین ۱۳۷۵: ۲۹۵). در نتیجه، در مبحث چندمعنایی، که معانی واژگان به یک هسته اصلی بازمی‌گردند، واژگان از طریق روابط هم‌نشینی و جانشینی در سطح جمله و تحت‌تأثیر واحدهای هم‌نشین تغییر معنا می‌دهند، اما از این هسته اصلی فاصله نمی‌گیرند (صفوی ۱۳۸۷: ۱۱۶). واژه «ولی» در قرآن کریم، که در آیاتی متعدد ذکر شده و وجوه معنایی بسیاری را به خود اختصاص داده است، از منظر هم‌نشینی با کلمات دیگر درون آیات، در حوزه چندمعنایی قرار می‌گیرد. در ادامه

این جستار، سیر معنایی این واژه را در آیات قرآن کریم بررسی می‌کنیم و مؤلفه‌های معنایی آن را، با توجه به کتاب‌های تفسیر قرآن کریم و ذکر شواهدی از این کتاب آسمانی، استخراج می‌نماییم.

بررسی واژه «ولی»

در این قسمت، به بررسی واژه «ولی» می‌پردازیم و بحث را در دو محور تبیین می‌کنیم: نخست، «ولی» از نظر لغوی و دوم از نظر معناشناسی که در قرآن کریم دارای ده مؤلفه معنایی است.

واژه «ولی» از نظر لغوی

«ولی» در لغت به معنای نزدیکی و جدایی نداشتن است. به همین مناسبت، به سرپرست و مربی انسانی که نیازمند به تربیت و سرپرستی است ولی گفته می‌شود. «اولیاء»، جمع «ولی»، در اصل از ماده «ولی-یلی» (ولایت) گرفته شده که به معنی نبودن واسطه میان دو چیز و نزدیکی و پی‌درپی بودن است. «مولی»، از ماده «ولاء»، در اصل به معنی ارتباط دو چیز با یکدیگر است، به طوری که بیگانه‌ای در میان نباشد (اللغوی ۱۴۰۶: ۱/۳۶-۳۷). به نظر می‌رسد هسته اصلی معنای این واژه به همین مواردی که ذکر شد باز می‌گردد، اما در آیات مختلف قرآن، تحت تأثیر عناصر هم‌نشین در بافت این آیات، وجوه معنایی متعددی را، که به همان بحث چندمعنایی هم‌زمانی مرتبط می‌شود، به خود اختصاص داده است.

واژه «ولی» از منظر معناشناسی

در مطالعه مبانی دانش معناشناسی و شاخه چندمعنایی، این نکته آشکار می‌گردد که معنا از راه ساختارهای واحد زبانی، یعنی قرار گرفتن در ساختارهای گوناگون و مجاورت با واحدهای دیگر آن، مشخص می‌شود. بی‌تردید فهم و دریافت معانی قرآن نیز بر شناخت و درک روابط معنایی واژگان استوار است. پژوهش‌های بی‌شماری در حوزه مفاهیم قرآنی، به منظور کشف لایه‌های معنایی آموزه‌های این

کتاب آسمانی، صورت گرفته است. در ادامه، ما با برشمردن معانی چندگانه واژه «ولی»، به بیان روابط مفهومی و هم‌نشینی این واژه با دیگر واژگان ساختار آیات می‌پردازیم.

۱. اولین وجه معنایی واژه «ولی»، «دوست و راهنما و یاری‌دهنده در دین و کفر» است. در آیه ۱۴ سوره «مجادله» آمده است: «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ تَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مَا هُمْ مِنْكُمْ وَلَا مِنْهُمْ وَيَحْلِفُونَ عَلَى الْكُذِبِ وَهُمْ يَعْلَمُونَ»: «آیا ندیدی آنان را که دوست گرفتند گروهی را که غضب کرد خدا بر ایشان نیستند آن‌ها از شما و نه از ایشان و سوگند یاد می‌کنند بر دروغ و ایشان می‌دانند». «منظور منافقان است که یهود و نصاری را در دین، ولی خود گرفتند» (بلخی ۱۳۸۰: ۲۱۷). در این آیه شریفه، می‌توان از طریق هم‌نشینی واژه «تولوا» با دال‌هایی چون «غضب» و «الکذب» و با توجه به موضوع آیه، به مفهوم سلبی آن پی برد. در تفسیر مجمع‌البیان نیز «تولوا» به مفهوم ولایت و دوستی در کفر بیان شده است که از طرف قوم یهود بوده است: «مقصود آن قومی از منافقین‌اند که با یهود رابطه دوستی برقرار کرده و اسرار مؤمنین را افشا می‌کردند پیش آن‌ها، و با آن‌ها اجتماع می‌کردند بر بدگویی کردن از پیامبر و مؤمنین. (ما هُمْ مِنْكُمْ وَلَا مِنْهُمْ) یعنی ایشان نه از مؤمنین هستند در دین و ولایت و نه از یهود» (الطبرسی ۱۳۶۰: ۲۴ / ۲۹۵).

نمود چنین مفهومی در آیه ۵۱ سوره «مائده» نیز جلوه‌گر است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَىٰ أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ»: «ای مردم مؤمن، یهودیان و مسیحیان را دوست نگیرید. برخی دوست برخی هستند. هرکس از شما ایشان را دوست دارد، از ایشان خواهد بود. خداوند مردم ستمکار را هدایت نمی‌کند». «یعنی هرکس آنان را در دین به دوستی گیرد، از آنان خواهد بود (بهبروز ۱۳۶۶: ۸۴۹). طبرسی در تفسیر این آیه شریفه، که شأن نزول آن این بود که «پس از هزیمت بدریان، مسلمانان به دوستان یهودی خود گفتند: پیش از آنکه به سرنوشت بدریان دچار شوید، مسلمان شوید» (الطبرسی ۱۳۶۰: ۷ / ۷۱)، می‌نویسد: «ای مردم مؤمن،

به یهودیان و مسیحیان اعتماد نکنید و از راه دوستی از آن‌ها کمک نخواهید. بدیهی است که مسلمان از هیچ غیرمسلمانی نباید کمک بخواهد» (همان منبع: ۷/ ۷۲).

۲. دومین مؤلفه معنایی واژه «ولی»، دوست و یاری‌گر در دین است. خداوند در آیه ۵۵ سوره «مائده» فرموده است: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا: «ولی و صاحب‌اختیار شما، تنها خدا و رسول و کسانی که ایمان آورده‌اند»^۱. در این آیه شریفه نیز هم‌نشینی واژه «ولی» با واحدهای معنایی چون «الله» و «رسوله»، مفهوم ایجابی آن را تداعی می‌کند. با توجه به چنین تفسیری از این آیه که در مجمع البیان آمده است: «این آیه درباره‌ی عبدالله بن سلام کلبی و اصحابش نازل شده است در آن وقتی که آن‌ها اسلام آوردند و یهود روابط دوستی خود را با آن‌ها قطع کردند» (الطبرسی ۱۳۶۰: ۷/ ۸۵). زحیلی نیز در تفسیر الوسیط این‌گونه می‌نویسد: «خداوند، پس از آن که از دوستی با دشمنان نهی کرد، به دوستی با خدا و رسولش و مؤمنان امر کرد» (زحیلی ۱۴۲۲: ۱/ ۴۷۳).

در آیه ۲۵۷ سوره «بقره» نیز واژه «ولی» با همین مفهوم به کار رفته است: «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ»: «خدا دوست کسانی است که ایمان آورده‌اند؛ آنان را از تاریکی‌ها به سوی نور می‌برد»^۲. با توجه به بافت مفهومی آیه، که خداوند مؤمنان را به سوی نور هدایت می‌کند، مدلول واژه «ولی»، یاری خدا در امور دین است: «خدا یار و یاور مؤمنان است در همه‌ی نیازهایشان و هرآنچه صلاح دین و دنیایشان است» (دخیل ۱۴۲۲: ۱/ ۵۹).

مقاتل بن سلیمان بلخی، در کتاب *الأشباه و النظائر*، وجوه بسیاری از واژگان و عبارت‌هایی را که در قرآن آمده بیان می‌کند و برای هر وجه، شماری از آیه‌ها را شاهد می‌آورد. یکی از واژگانی که وی بررسی معناشناختی می‌کند، واژه «ولی» است که برای آن ده وجه معنایی برمی‌شمارد. البته او به روابط مفهومی و هم‌نشینی این واژه با واژگان دیگر در ساختار کلام اشاره‌ای نکرده و به ذکر این معانی اکتفا کرده است.

۱. رجوع کنید به: بلخی ۱۳۸۰: ۲۱۷.

۲. رجوع کنید به: همان‌جا.

۳. سومین مؤلفه معنایی واژه «ولی»، فرزند است. این معنا در آیه ۵ سوره «مریم» از قول زکریا آمده است: «فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا»: «پس مرا از نزد خودت ولی ای ببخش»؛ یعنی «فرزندی ببخش» (بلخی ۱۳۸۰: ۲۱۶). در این آیه شریفه، واژه «ولی»، با توجه به بافت آن که با واژه «عافر» هم‌نشین شده است، مفهوم فرزند را دربر می‌گیرد. در تفسیر *جوامع الجامع* این‌گونه بیان شده است که «فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا: پس فرزندی به من عطا کن که پشت سر من باشد و برای ارث بردن از من سزاوارتر از دیگران باشد. کلمه «مِنْ لَدُنْكَ» تأکید بر این است که آن فرزند به‌راستی ولی و مورد رضایت باشد، از آن جهت که منسوب به خداست و از نزد او صادر شده است» (الطبرسی ۱۳۷۷: ۴ / ۲۷). در نتیجه، از این تفسیر نیز این‌گونه استفاده می‌شود که واژه «ولی»، با توجه به هسته اصلی معنای خود (نزدیکی)، در ساختار این آیه با مفهوم فرزند آمده است؛ چراکه مصداق این نزدیکی و جدایی نبودن، میان پدر و فرزند وجود دارد.

۴. چهارمین مؤلفه معنایی واژه «ولی» در قرآن، «دوست غیرخویشاوند» است. این معنا در آیه ۱۱۱ سوره «إسراء» آمده است: «وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ»: «او را خواری نیست تا به یاری محتاج شود»؛ یعنی «خدا را درماندگی نیست تا دوستی او را یاری کند» (بلخی ۱۳۸۰: ۲۱۶). با توجه به بافت موضوعی این آیه و آیات قبل از آن که به عملکرد قوم بنی‌اسرائیل در مقابل فرمان الهی دلالت دارد، می‌توان مدلول واژه «ولی» را در هم‌نشینی با واژه «ذل» دریافت کرد. طبرسی در تفسیر *مجمع البیان* این‌گونه بیان می‌کند که «وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ: دوست و هم‌پیمانی ندارد که در سختی‌ها و گرفتاری‌ها او را کمک کند. زیرا آدم ضعیف به کمک دوست احتیاج دارد و خدا ضعیف نیست؛ یعنی او ناتوان نیست که به دیگران محتاج باشد و به وسیله آن‌ها کسب عزت کند. او قادر است و معبودهای دیگر ذلیل و ناتوانند» (الطبرسی ۱۳۶۰: ۱۴ / ۲۳۵).

مصداق چنین مفهومی از واژه «ولی» در آیه ۱۷ سوره «کهف» نیز مشهود است: «وَمَنْ يُضِلِّ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ وَلِيًّا مُرْشِدًا»: «هر که را گمراه کند، برای او

دوست و راهنمایی نخواهی یافت». مقات بن سلیمان در تفسیر این آیه شریفه چنین می‌گوید: «برای او دوست و راهنمایی نمی‌یابی تا او را هدایت کند؛ چراکه دوست او همچون خود وی در گمراهی است» (بلخی ۱۴۲۳: ۲/ ۵۷۸). در این وجه معنایی از واژه «ولی» نیز می‌توان ارتباط معنایی آن با هسته اصلی معنا (قرب و نزدیکی) را دریافت.

۵. پنجمین کاربرد معنایی واژه «ولی» در قرآن کریم بر مفهوم «نزدیک یا خویشاوند نزدیک» دلالت دارد. این معنا در آیه ۴۱ سوره «حم دخان» آمده است: «يَوْمَ لَا يُغْنِي مَوْلَىٰ عَنْ مَوْلَىٰ شَيْئًا وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ»: «روزی که هیچ دوستی برای دوست خود سودمند نباشد». یعنی «در آن روز کافران از نزدیکان کافر خود نفعی نبرند» (بلخی ۱۳۸۰: ۲۱۶). در این آیه، مفهوم «مولى» از بافت موضوعی آن، که در ارتباط با انکار و عناد کافران در برابر روز بعث و معاد است، و در هم‌نشینی با واحدهای دیگری در ساختار کلام، همچون «لایغنی»، استنباط می‌شود. طبرسی نیز در تفسیر این آیه چنین مفهومی از «مولى» را بیان می‌کند: «مولى عبارت است از دوستی که معمولاً به یاری دوستش می‌شتابد، و در این قسم، پسرعمو و یاور و هم سوگند انسان و دیگران که دارای چنین صفتی هستند وارد می‌شوند. یعنی این روز روزی است که هیچ دوستی دوست خود را بی‌نیاز نخواهد ساخت و نمی‌تواند عذاب خدا را از او دور سازد» (الطبرسی ۱۳۶۰: ۲۲/ ۳۱۶).

نمود چنین مفهومی از واژه «ولی» در آیه ۲۲ سوره «عنکبوت» نیز مشهود است: «وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ»: «برای شما دوستی نیست جز خدا». یعنی «نزدیکان کافرتان شما را سودی نتوانند رسانند» (بلخی ۱۳۸۰: ۲۱۶). در تفسیر روح البیان نیز «ولی» به معنای «دوست کارساز» بیان شده است (حقی بروسوی بی‌تا: ۴۶۱/ ۶).

۶. ششمین مؤلفه معنایی واژه «ولی» در قرآن، «پروردگار (منعم و مولا)» است. خداوند در آیه ۱۴ سوره «انعام» فرموده است: «قُلْ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ اتَّخَذَ وَلِيًّا

فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ»: «بگو آیا جز خدا، که آفریننده آسمان‌ها و زمین است، دوستی بگیرم». یعنی «جز او را برای خود راهنما و سرپرست و مولا قرار دهم؟» (بلخی ۱۳۸۰: ۲۱۶). واژه «ولی» در هم‌نشینی با واژه «الله» در بستر این آیه شریفه، به معنی پروردگار بیان می‌شود. همان‌گونه که در تفسیر مجمع البیان آمده است: «چگونه ممکن است از خدایی که آسمان‌ها و زمین را از نیستی به هستی آورده است دور شوم و جز او را ولی و سرور و صاحب‌اختیار خود قرار دهم؟ ولی کسی است که صاحب‌اختیار کسی باشد. مقصود این است که من کسی را جز خدا ولی خودم قرار نمی‌دهم، لکن جمله را به صورت پرسش آورده تا در بیان مقصود رساتر باشد» (الطبرسی ۱۳۶۰: ۲۷/۸). این مفهوم مولا و صاحب‌اختیار در تفسیر خسروی نیز ذکر شده است: «"وَلِيًّا" ای ناصرا و معینا و مولی و مالکا یعنی یار و یاور و آقا و صاحب‌اختیار و مالک» (میرزا خسروانی ۱۳۹۰: ۳/۴۵).

چنین مفهومی از واژه «ولی» در آیه ۳ سوره «اعراف» نیز آمده است: «اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ إِلَيْكُم مِّن رَّبِّكُمْ وَلَا تَتَّبِعُوا مَن دُونَهُ أَوْلِيَاءَ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ»: «از چیزی که از پروردگارتان به شما نازل شده پیروی کنید و پیرو غیر او نباشید و جز خدا را به دوستی مگیرید، اما اندک مردمی بدین پند متذکر می‌گردند» یعنی «از مولایان و اربابان دیگر» (بلخی ۱۳۸۰: ۲۱۷). در این آیه شریفه نیز واژه «ولی» بر مفهوم مولا و صاحب‌اختیار دلالت دارد که مدلول آن را می‌توان از سیاق کلام، با توجه به واژگان دیگر موجود در آیه مانند «رب»، دریافت کرد. تفسیر المیزان نیز به‌زیبایی بر معنای آن تأکید می‌کند: «بنابراین، معنای آیه این می‌شود که غیر از خدای تعالی کسی را پیروی نکنید- در حالی که آن‌ها زیادند- تا آن‌ها اولیای شما نگردند. چه کم شما متذکر می‌شوید! اگر متذکر می‌شدید، می‌فهمیدید که خدا پروردگار شماست و جز او پروردگار و اولیای دیگری برای شما وجود ندارد» (طباطبایی ۱۳۷۴: ۸/۸).

مصدق این معنی از واژه «ولی» در آیه ۹ سوره «شوری»، آیه ۳۰ سوره «اعراف»، آیه ۶۲ سوره «انعام» و آیه ۳۰ سوره «یونس» نیز نمود پیدا کرده است.

۷. وجه هفتم معنایی واژه «ولی»، به معنای «إله» است. خداوند در سوره «جاثیه» فرموده است: «وَلَا يُغْنِي عَنْهُمْ مَا كَسَبُوا شَيْئاً وَلَا مَا اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ»: «آنچه به دست آورده‌اند و کسانی را که به‌جز خدا به دوستی گرفته‌اند، به حالشان سود نکند». یعنی «آن خدایانی که برگزیده‌اند» (بلخی ۱۳۸۰: ۲۱۷). مفهوم ذکرشده از واژه «ولی» بر إله به‌منظور پرستش دلالت دارد؛ در حالی که مفهوم قبل به‌معنی پروردگار، به‌منزله صاحب‌اختیار است. در تفسیر جامع مصداق مدلول «إله» در بافت مفهومی آیه شریفه، که در انذار کافران از روز حق است، ذکر شده است: «نجات و رهایی نبخشد آنان را و آن معبودان و دوستان که ایشان گرفته‌اند بدون خدا به کارشان نیاید. عذاب بزرگ و قهر خداوند کیفر آن‌هاست» (بروجردی ۱۳۶۶: ۶ / ۳۰۱). در تفسیر روح المعانی نیز بر مفهوم «إله و معبودان باطل» از واژه «اولیاء» استدلال شده است.^۱

در آیه ۶ سوره «شوری» نیز مدلول واژه «ولی» بر «إله و معبود» دلالت دارد: «وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ اللَّهُ حَفِیْظٌ عَلَيْهِمْ»: «و کسانی که به‌جز خدا دوستانی گرفته‌اند خداوند بر آنان نگهبان است». در تفسیر کشف، در مفهوم این آیه چنین ذکر شده است: «کسانی که به‌جز خدا دوست گرفته‌اند، یعنی برای او انباز و شریک قرار داده‌اند» (زمخشری ۱۴۰۷: ۴ / ۲۱).

نمود چنین مفهومی از واژه «ولی» در آیه ۷ سوره «زمر» نیز مشهود است که در تمام آیات اشاره‌شده، مطالعه واحدهای هم‌نشین در سیاق متن، ما را به درک نکات کلیدی واژگان رهنمون می‌سازد.

۸. هشتمین مؤلفه معنایی واژه «ولی»، «خاندان و خویشان» است. خداوند در آیه ۵ سوره «مریم» فرموده است: «وَإِنِّي خِفْتُ الْمَوَالِيَّ مِنْ وَرَائِي»: «من پس از خویش، از خویشاوندانم بیمناکم».^۲ در بافت موضوعی این آیه، که بر دعای «زکریا» برای فرزند دلالت دارد و اینکه ترس وی را پس از مرگ خویش از

۱. رجوع کنید به: آلوسی ۱۴۱۵: ۱۳ / ۱۴۲.

۲. رجوع کنید به: بلخی ۱۳۸۰: ۲۱۷ و تفسیری ۱۳۵۹: ۳۰۹.

اطرافیان بیان می‌کند، مفهوم واژه «موالی» بر خویشان دلالت دارد. زمخشری در تفسیر کشاف واژه «موالی» را خویشاوندان، که همان برادران و فرزندان عمومی «زکریا» هستند، تفسیر می‌کند و بر آنان که از اشرار یهود بودند، بر تغییر و تحریف دین پس از خویش هراس دارد (زمخشری ۱۴۰۷: ۴/۳). طبرسی در تفسیر مجمع البیان نیز «موالی» را، با توجه به ساختار و مفهوم آیه و مستندات تفسیری، «خویشان» تعبیر می‌کند: «ابن عباس گوید: منظور از موالی، کلاله (یعنی خویشاوندان پدری و مادری) است. برخی گفته‌اند منظور، عصبه (یعنی خویشاوندان پدری) است. از امام باقر (ع) نقل شده است که منظور، عموها و پسرعموهاست. جبائی گوید: منظور، پسرعموهاست که از اشرار بنی اسرائیل بودند. کلبی گوید: مقصود ورثه است» (الطبرسی ۱۳۶۰: ۱۵/۱۴۴).

۹. واژه «ولی» در وجه نهم، به معنای «برده آزادشده» است. در آیه ۵ سوره احزاب آمده است: «فَإِنْ لَمْ تَعْلَمُوا آبَاءَهُمْ فَاِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ وَ مَوَالِيكُمْ»: «اگر پدرانشان را نمی‌شناسید، پس برادران دینی شما و آزادکردگان شما، یعنی «بندگانی که آزاد شده‌اند» (بلخی ۱۳۸۰: ۲۱۸). در این آیه شریفه، واژه «موالی» در هم‌نشینی با عبارت «فَاِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ» بر مدلول برده آزادشده دلالت می‌کند و خواننده، با توجه به ساختار آیه که درباره نوع فرا خواندن فرزندخوانده است، به این مفهوم پی می‌برد. «موالی» یعنی برده‌هایی که شما آزاد کرده‌اید و چون شما آن‌ها را آزاد کرده‌اید، ولاء عتق آن‌ها برای شماست» (الطبرسی ۱۳۷۷: ۵/۹۱). در تفسیر نمونه نیز واژه «موالی» این‌گونه تفسیر شده است: «موالی جمع مولاست. و مفسران برای آن معانی متعددی ذکر کرده‌اند. بعضی آن را در اینجا به معنی دوست و بعضی به معنی غلام آزادشده دانسته‌اند؛ زیرا بعضی از پسرخوانده‌ها بردگانی بودند که خریداری می‌شدند، سپس آزاد می‌گشتند و چون مورد توجه صاحبانشان بودند، آن‌ها را به عنوان پسر خویش می‌خواندند» (مکارم شیرازی ۱۳۷۴: ۱۷/۱۹۸).

۱۰. واژه «ولی» در دهمین وجه معنایی خود بر مفهوم «دوستان مخلص و یکدل و طرف اعتماد و مشورت» دلالت می‌کند. خداوند در آیه ۱۴۴ سوره «نساء»

فرموده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَلَا تَعْلَمُونَ أَنَّ تَجْعَلُوا لِلَّهِ عَلَيْكُمْ سُلْطَانًا مُبِينًا»: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، کافران را به جای مؤمنان ولی و تکیه‌گاه خود قرار ندهید. آیا می‌خواهید (با این عمل) دلیل آشکاری بر ضرر خود در پیشگاه خدا قرار دهید؟». یعنی «در اندرز پذیرفتن از آنان دوست خود مگیرید» (بلخی ۱۳۸۰: ۲۱۸). در این آیه نیز از بافت موضوعی آن می‌توان چنین استنباط کرد که واژه «اولیاء»، در هم‌نشینی با واحدهایی چون «سلطاناً» در بستر این آیه، مدلولی مانند مشاور و معتمد می‌پذیرد. زحیلی نیز در الوسیط، در تفسیر این آیه، چنین مفهومی را برای واژه «اولیاء» بیان می‌کند و می‌نویسد: «خداوند، مؤمنان را برحذر می‌دارد از اینکه کافران و معاندان را به دوستی گیرند و می‌فرماید: آنان را به دوستی و یاری مگیرید که با آنان نشست و برخاست کنید، از مصاحبت آنان خوشحال شوید و نزد آنان، اسرار و امور شخصی خویش را بازگو کنید» (زحیلی ۱۴۲۲: ۱/ ۴۰۱).

این مفهوم در آیه ۲۸ سوره «آل عمران» نیز وجود دارد: «لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاةً وَيُحَذِّرْكُمْ اللَّهُ نَفْسَهُ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ»: «نباید مؤمنان کافران را به جای مؤمنان اولیاء خود گیرند. و هر که چنین کند، با خدا کاری ندارد، مگر که از آن‌ها ترسی داشته باشید. خدا شما را از خود می‌ترساند و سرانجام سوی اوست». از بافت موضوعی سوره مبارکه و سیاق آیات قبل این نکته فهمیده می‌شود که خداوند مؤمنان را از اعتماد کردن به کافران برحذر می‌دارد و واژه «اولیاء» چنین مدلولی (معتمد و مشاور) را تداعی می‌کند. در تفسیر الواضح چنین آمده است: «خداوند می‌فرماید: ای کسانی که ایمان آوردید! کافران را مورد تکیه‌گاه خود قرار ندهید که با آنان طرح دوستی افکنید و از اسرار خویش آگاه سازید و مصالح کافران را بر مصالح مؤمنان ترجیح دهید» (حجازی ۱۴۱۳: ۱/ ۲۲۳).

نتیجه

در این پژوهش، سیر معنایی واژه «ولی»، که یکی از پرکاربردترین واژگان در قرآن کریم است، با توجه به نظریه چندمعنایی و با تکیه بر کتاب‌های تفسیر قرآن کریم، مورد تحلیل معناشناختی قرار گرفت و این نتایج را در پی داشت:

۱. واژه «ولی» در آیات مختلف قرآن، تحت تأثیر عناصر هم‌نشین در بافت این آیات، وجوه معنایی متعددی را به خود اختصاص داده است. این واژه، با توجه ساختار خاص و قابلیت موجود در خود، توانسته در آیات مختلف وجوه معنایی متناسب با واژگان آن را به خود بگیرد.

۲. واژه «ولی»، با توجه به سیاق کلام و بافت موضوعی سوره‌ها و آیات شریفه، ده وجه معنایی، از قبیل «فرزند»، «پروردگار»، «دوست و یاور»، «برده آزادشده» و «دوستان مخلص»، را شامل می‌شود.

۳. همه وجوه معنایی ذکرشده برای واژه «ولی» با هسته اصلی معنای آن (نزدیکی و جدایی نداشتن) ارتباط نزدیک داشته و بر اثر روابط هم‌نشینی در بافت جملات، چنین مؤلفه‌هایی را به خود گرفته است.

۴. پذیرش وجوه معنایی مختلف، با توجه به بافت و ساختار متفاوت واژگانی، در بسیاری از دیگر واژگان قرآنی نیز وجود دارد و می‌تواند که در مجال دیگر به آن‌ها پرداخته شود.

منابع

- قرآن کریم.
- آکماجین، آندرین، (۱۳۷۵)، زبان شناسی: درآمدی بر زبان و ارتباط، ترجمه خسرو غلامعلی‌زاده، تهران: طاق بستان.
- الطبرسی، فضل‌بن‌الحسن، (۱۳۶۰)، تفسیر مجمع‌البیان، ترجمه علی کرمی، تهران: فراهانی.
- (۱۳۷۷)، تفسیر جوامع‌الجامع، ترجمه گروه مترجمان، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- اللغوی، احمدبن فارس‌بن زکریا، (۱۴۰۶)، مجمل‌اللغة، تحقیق زهیر عبدالحسین سلطان، بیروت: مؤسسة الرسالة.
- آلوسی، محمود، (۱۴۱۵)، روح‌المعانی فی تفسیر القرآن‌العظیم، بیروت: دارالفکر.

- باطنی، محمدرضا، (۱۳۸۸)، زبان و تفکر، تهران: آگه.
- بروجردی، محمد ابراهیم، (۱۳۶۶)، تفسیر جامع، تهران: صدر.
- بلخی، مقاتل بن سیمان، (۱۴۲۳)، تفسیر مقاتل بن سلیمان، بیروت: دار إحياء التراث.
- بلخی، مقاتل بن سلیمان، (۱۳۸۰)، الأشباه و النظائر فی القرآن الکریم، ترجمه محمد روحانی و محمد علوی مقدّم، تهران: علمی و فرهنگی.
- بهروز، اکبر، (۱۳۶۶)، الوجوه و النظائر، تبریز: جامعه تبریز.
- پالمر، فرانک، (۱۳۷۴)، نگاهی تازه به معنی‌شناسی، ترجمه کورش صفوی، تهران: مرکز.
- تفلیسی، ابوالفضل حبیب بن ابراهیم، (۱۳۵۹)، وجوه قرآن، تصحیح مهدی محقق، تهران: بنیاد قرآن.
- حجازی، محمد محمود، (۱۴۱۳)، التفسیر الواضح، بیروت: دارالجيل الجديد.
- حقی بروسوی، اسماعیل، (بی تا)، تفسیر روح البیان، بیروت: دارالفکر.
- دخیل، علی بن محمد علی، (۱۴۲۲)، الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
- رمضان التجار، نادیه، (۱۳۹۱)، زبان‌شناسی سوره یوسف، ترجمه ابوالفضل سجادی و محمود شهبازی، قم: طلوع سبز.
- زحیلی، وهبة بن مصطفى، (۱۴۲۲)، تفسیر الوسیط، دمشق: دارالفکر.
- زمخشری، محمود، (۱۴۰۷)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت: دارالکتاب العربی.
- صفوی، کورش، (۱۳۸۷)، درآمدی بر معناشناسی، تهران: سوره مهر.
- طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۷۴)، تفسیر المیزان، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیة قم.
- مختار، احمد، (۱۳۸۶)، معناشناسی، ترجمه حسن سیدی، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۷)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- میرزاخسروانی، علیرضا، (۱۳۹۰)، تفسیر خسروی، تهران: انتشارات اسلامیة.